

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از رسیدگی به حوادث و مشکلات توسط دولت خلافت تا پنهان کاری نظام سرمایه‌داری

(ترجمه)

در کتب تاریخ آمده است که هارون الرشید، خلیفه مسلمانان، زمانی که ابری را دید، خوشحال گردید و به ابر گفت: «أمطري أنى سنت؛ فسوف يأتيني خراجك؛ هر جا و هر چند که می‌خواهی بیار و به زودی خراج تو (خیر و حاصلات تو) به نزد من (دارالخلافت) خواهد آمد.»

پس باران نعمت از سوی الله سبحانه و تعالی بر بندگانش است که زمین خشک و خالی را سرسبز و زیبا می‌گرداند؛ هنگامی که دیر آید، مردم محزون می‌شوند و به دربار الله سبحانه و تعالی برای طلب باران نماز می‌خوانند و الله سبحانه و تعالی ابرها را برای باریدن می‌فرستد. همچنین از رحمت الله سبحانه و تعالی است که فصل باران را برای مردم روشن و واضح ساخته است تا برای آن آمادگی داشته باشند که نعمت تبدیل به نقمه یا عقوبت نشود؛ اما در هر سال این نعمت تبدیل به ویرانی و نابودی می‌شود.

وب سایت سودان پرس در تاریخ 2022/8/28 گزارش داد که شورای ملی برای دفاع از مردم سودان، خسارات جانی و مالی مناطق آسیب دیده را از باران‌های سیل‌آسا بیان کرد. گزارش صادره از سوی شورا حاکی از آن است که مجموع خسارات وارده در تابستان سال 2022م تا 28 اسد/مرداد به 99 کشته و 93 مجروح رسیده است.

خسارات ناشی از سیلاب باعث تخریب کامل 23724 خانه مسکونی و 35225 خانه دیگر به طور جزئی شده است و خسارات دیگر شامل 102 تأسیسات، 70 فروشگاه و انبار کالاهای تجاری، 10500 جریب زمین کشاورزی و مرگ 672 رأس مواشی گزارش شده است.

در پاکستان، سایت الجزیره در تاریخ 2022/8/31 گزارش داد که: «سازمان ملی مدیریت بحران در پاکستان اعلام نموده که در طی 24 ساعت 36تن بر اثر سیل جان خود را از دست دادند. به علت بالا آمدن آب بیش از 30 میلیون تن آواره و تعداد قربانیان سیل از ابتدای ژوئیه گذشته به 1160 نفر رسیده و همچنین نزدیک به یک میلیون خانه مسکونی را به طور کامل تخریب نموده است.» این سازمان اعلام کرد: «سیل بیش از 80 هزار هکتار از اراضی کشاورزی را از بین برد و 3400 کیلومتر جاده و 157 پل را تخریب و بیش از 800 هزار حیوان تلف شده است.» (منبع: سایت الجزیره)

همچنان خبرگزاری فرانس 24 در تاریخ 2022/7/29 گزارش داد که: «روز جمعه ایران اعلام نموده که تعداد قربانیان رانش زمین ناشی از باران‌های سیل‌آسا به حداقل 53 تن رسیده و حدود 16دیگر هم ناپدید شده است.»

همچنان وزارت داخله امارات متحده عربی اعلام کرد که هفت تن از ملیت‌های آسیایی بر اثر بارندگی‌های سیل‌آسای اخیر جان خود را از دست داده اند...»

چنین اتفاقاتی تقریباً هر سال تکرار می‌شود و همیشه مسئولان به دروغ می‌گویند که برای رویارویی با فصل سیلاب‌ها آمادگی کامل دارند؛ اما متأسفانه هنگام بارندگی حاکمان برای مردم افشاء می‌شوند که هیچ برنامه‌ای ندارند. آنان سخن رسول الله صلی الله علیه و سلم را فراموش کردند که از معقل بن یسار رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْتَرْعِيهِ اللَّهُ رَعِيَّةً، يَمُوتُ يَوْمَ يَمُوتُ وَهُوَ غَاشٌّ لِرَعِيَّتِهِ، إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ» (متفق علیه)

ترجمه: «هیچ بنده‌ای نیست که الله متعال عده‌ای را تحت سرپرستی او قرار دهد و او درحالی بمیرد که به زیردستانش خیانت کرده است، مگر این‌که الله متعال بهشت را بر او حرام می‌گرداند.»

این حاکمانی را که کافران بر امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم تحمیل کرده و رسیدگی امور مردم به آن‌ها سپرده شده است، بر سر مردم هر بلا و ویرانی که می‌آید، آمادگی ندارند و تنها حمایت و کمک‌شان وابسته به کمک‌های خارجی‌هاست.

علی الرغم اموال و منابع موجودی که در سرزمین‌های شان است، از آن استفاده نمی‌کنند؛ بلکه این نعمت‌ها را به اربابان‌شان و صاحبان‌شان می‌دهند. پس انسان در میان این حاکمان مورد توجه قرار نمی‌گیرند و دلیل بر این ادعا اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از چنین ویرانی‌هایی است که حاکمان انجام نداده اند.

واقعیت طوری است که به غیر از نظام اسلام هیچ نظام دیگری بدون در نظر گرفتن رنگ، مذهب و ظاهر، از انسان مراقبت نمی‌کند و تاریخ مملو از همچو نمونه‌هاست. سعد بن ابی وقاص گروهی را به نزد عمر بن الخطاب رضی الله عنه، خلیفه مسلمین فرستاد و زمانی که این هیئت یا گروه را دید، از آن‌ها در مورد تغییر رنگ و وضعیت آن‌ها پرسان کرد؛ پس آن‌ها گفتند: سختی‌ها و دشواری‌های آن سرزمینی که زندگی می‌کنیم، حالت مان را این گونه ساخته است. بناءً دستور داد که به خانه و مکانی بروند که مردم در آنجا زندگی می‌کنند. و گویند که حذیفه به عمر نوشت: اعراب شکم‌شان از گرسنگی خالی، جسم‌شان لاغر و وضعیف و رنگ‌شان تغییر کرده است. پس عمر رضی الله عنه به سعد نوشت و گفت: من را آگاه سازید که چه چیزی رنگ اعراب را تغییر و جسم و گوشت آن‌ها را ضعیف ساخته است؟ سعد به عمر رضی الله عنه نوشت: سختی و دشواری‌های سرزمین‌شان آن‌ها را تغییر داده و اعراب با هیچ سرزمین موافق نیستند، مگر سرزمین‌هایی که شتران‌شان موافق باشد. پس به سعد نوشت که سلمان و حذیفه را می‌فرستم تا به مکان‌هایی در خشکه و دریا بروند که آن‌ها موافق باشند و بین من و تو دریا و پلی نیست؛ پس سعد آن‌ها را فرستاد و سلمان بیرون رفت تا به انبار (ولایت در عراق) رسید. حتی به سمت غرب رود فرات رفت و راضی نشد تا این‌که به کوفه رفت و آنجا را پذیرفت و اقامت گزیدند.

در سیرت و کتب تاریخ آمده است که زن سیاه‌پوست و مسکینی که چیزی نداشت که کفایت زندگی‌اش با آن شود، از منطقه جیزه مصر به نام فرتونه سیاه به عمر بن عبدالعزیز رحمه الله علیه نامه‌ای نوشت که در داخل یک خانه با دیوارهای فرسوده و ویران زندگی می‌کند و دزدها از دیوار بالا می‌روند و مرغ‌هایش را می‌زدند و به غیر از این مرغ‌ها پولی برای نفقه خود ندارد. خلیفه مسلمانان، عمر بن عبدالعزیز به والی خود در مصر به نام ایوب بن شرحبیل نامه نوشت: «از عبدالله عمر، امیر المؤمنین به ایوب بن شرحبیل سلام علیک؛ اما بعد، فرتونه سیاه به من نامه‌ای فرستاده و شکایت نموده که دیوارش کوتاه و ویران است و دزدها مرغ‌هایش را می‌زدند و خواست او اینست که از او محافظت شود. اگر این نامه برای تان رسید، خودت به نزد آن می‌روی و مشکل آن را حل و دیوارش را بساز.» و به فرتونه هم نامه نوشت: «از عبدالله عمر بن عبدالعزیز، امیر المؤمنین به فرتونه سیاه، سلام الله علیک؛ اما بعد، نامه تان به من رسید و آنچه در آن ذکر کرده‌اید، در مورد کوتاهی و ویرانی دیوار خانه‌ات، از آنجایی که به داخل خانه تان دزدها نفوذ می‌کنند و مرغ‌های تان را می‌زدند... به ایوب بن شرحبیل نامه نوشتم و به او دستور داده‌ام که دیوار خانه‌ات را بسازد تا از آنچه که ترس دارید، خودت را حفظ کند. إن شاء الله!»

ابن عبدالحکم می‌گوید: «وقتی نامه به ایوب بن شرحبیل رسید، خود والی به منطقه جیزه رفت و از موقعیت و مکان فرتونه پرسان می‌کرد تا آن را یافت. اگر او سیاه، فقیر و مسکین است، اما والی خلیفه دیوارش را می‌سازد و بلند می‌کند.»

دولت خلافت فقط اکتفا و رسیدگی به امور و رعیت خود نمی‌کند، بلکه به امور همه انسان‌ها رسیدگی خواهد کرد؛ چون اسنادی از آرشیف عثمانی‌ها وجود دارد که نشان می‌دهد که سلطان عبدالحمید دوم به دلیل فاجعه سیل در سال 1890 به آلمان کمک و مساعدت‌های مالی فرستاد.

بر اساس اسناد محفوظ در آرشیف عثمانی‌ها در ریاست نخست‌وزیر ترکیه، دولت عثمانی به دنبال طغیان رودخانه زالا از باران‌های سیل‌آسا در منطقه تورینگن (مرکزی) دست همکاری و یاری به متضررین دراز کرد. این اسناد نشان‌دهنده میزان تمایل دولت عثمانی برای ارائه کمک‌های بشردوستانه به نیازمندان در سراسر جهان است. مبلغ ارسال پول به متضررین سیل در آلمان به 750000 لیره عثمانی بوده است و 500 هزار از آن پول‌ها کمک شخص و بخشش سلطان عبدالحمید با بقیه اعضای خانواده آن بوده است. این اسناد همچنین نشان می‌دهد که دوقیه ساکس آلتن بورگ نامه‌ای تشکری را برای سفیر عثمانی در برلین ارسال کرده و از کمک‌های مالی دولت عثمانی سپاس‌گذاری نموده است.

جودت اردول، رئیس دانشگاه/پوهنتون علوم صحتی استانبول در گفتگو با خبرگزاری آنادول گفت: «سلطان عبدالحمید دوم علی الرغم شرایط سختی که دولت عثمانی داشت، دست برای کمک‌های بشردوستانه و دست یاری به سوی مردم آلمان دراز کرد.»

بلی، این دولت است که نیازمندی‌های مردم را به بهترین شکل رعایت می‌کند و رسول الله صلی الله علیه و سلم آن را برای ما معرفی و ایجاد آن را بر مسلمانان واجب گردانیده است. چنانچه رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید:

«وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

ترجمه: و هرکس در حالی بمیرد که در گردنش بیعتی نباشد، وی به مرگ جاهلیت مرده است.

نویسنده: استاد عبدالخالق عبدون علی

مترجم: پارسا «امیدی»

منبع: جریده الرایه، شماره (۴۰۹)